

حجت‌الاسلام سید محمد وحید طیبسی حائری

مقالی که پیش روی دارید به مناسبت فرا رسیدن اربعین از تحال عالم عامل حضرت آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی (قده) و به قلم حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمد وحید طیبسی حائری فرزند مرحوم آیت‌الله حاج سید علینقی طیبسی حائری، دانش‌آموخته دانشگاه امام صادق (ع) و دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی به رشته تحریر در آمده است. امید آنکه در نکوداشت آن روحانی مجاهد و معلم ارجمند اخلاق مفید و مقبول افتد.



نگاهی به تاریخ تحولات ایران بعد از اسلام، حکایت از آن دارد که دین اسلام و مذهب شیعه در زمینه‌های مختلف با هدف ایجاد ایرانی اسلامی و سربلند، نقش آفرینی کرده‌اند که این نقش آفرینی از سطوح مختلف برخوردار بوده است. شاید بتوان مهم‌ترین سطحی را که مذهب تشیع در ایجاد آن دخیل بوده، شکل دهی به هویت ملی ایرانیان و کمک به ملت‌سازی دانست، طوری که نمی‌توان در هیچ حالی کشور و ملت ایران را جدا از دین اسلام و مذهب شیعه تصور کرد. همین هویت اسلام نهاد بوده که موجودیت ایران را به شکل کشوری مستقل در طول تاریخ حفظ کرده است، طوری که در میان کشورهای جهان، کشور ما از معدود کشورهایی است که هیچ‌گاه استقلال خود را از دست نداده و مستعمره کشوری دیگر قرار نگرفته است. پرچمداری این حرکت دینی - ملی را روحانیت شیعه عهده‌دار بوده است. روحانیت با تعهدی که به حفظ مکتب و اصول اسلام داشته، ایران را پایگاه و ام‌القرای اسلام دانسته و تمام تلاش خود را در جهت حفظ توأمان اسلام و ایران مبذول داشته است. این تلاش بر اساس مقتضیات زمان و مکان صدر مختلف یافته و نوساناتی به خود دیده، اما اصل قضیه همواره دنبال شده است. همکاری نزدیک علمای شیعه با پادشاهان صفوی، شکل‌گیری حکومت موزای علما در زمان قاجاریه و مبارزه علما با پهلوی‌ها، جلوه‌هایی از این قضیه را به نمایش گذاشته است. مهم‌ترین گام را در این عرصه حضرت امام خمینی (ره) با ایجاد و رهبری نهضت اسلامی ایران از سال ۱۳۴۲ برداشتن و با طراحی مدل جدید، حکومت جایگزین را با همت و مساعفت همه‌جانبه ملت ایران همیشه به سنت تاریخی سرسپردگی پایان دادند و حکومتی مستقل از جریان‌های حکومتی موجود در جهان ایجاد کردند. یکی از طیف‌هایی که در روشن نگه داشتن چراغ نهضت تحت نظارت مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی در مسجد جلیلی، جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته است. اصرار ایشان بر طرح دیدگاه‌های حضرت امام (ره) و فعالیت‌های سیاسی ایشان شد که پس از چندین بار دستگیری و بازداشت کوتاه مدت، هجوم به منزل جهت ایجاد محدودیت برای سخنرانی منبر و تدریس، نهایتاً در رمضان سال ۵۳ شمسی ایشان بازداشت و به بوکان تبعید شدند. در ادامه آیت‌الله مهدوی کنی پس از روشن شدن نقش ایشان در پرونده دیگری که از پرونده عمومی طرفداری از حضرت امام (ره) سنگین‌تر بود، از بوکان به مهاباد و سپس به تهران اعزام می‌شود و در کمیته طاغوت تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی زیر نظر حضرت امام خمینی (ره) ادامه می‌یابد.

به انگیزه اربعین از تحال عالم عامل، حضرت آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی مدیریت برای نظام پدیری برای شاگردان

در قم ماند و از محضر فحول و بزرگانی همچون آیت کبری الهی مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی و امام خمینی و علامه طباطبایی و آیت‌الله العظمی گلپایگانی (رضوان‌الله‌علیهم‌اجمعین) استفاده‌های شایانی برد و هم‌زمان هم به تدریس سطوح میانی و عالی حوزه مشغول بود. آیت‌الله مهدوی کنی پس از مدتی اقامت در قم (حدود ۱۳ سال) به تهران مراجعت نمود و در مدرسه مروی به تدریس علوم حوزوی مشغول شد و حدوداً در سال بعد از مراجعت یعنی سال ۴۲ با افتتاح مسجد جدید التأمین که تحت نظارت مرحوم آیت‌الله سرخ‌ای ساخته شده بود به امامت آنجا مشغول گردید. این مسجد پایگاه مناسبی برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی ایشان شد. مبارزات ایشان علیه حکومت طاغوت منجر به دستگیری‌های متعدد و تبعید و شکنجه و زندانی شدن‌های مکرر ایشان شد. از مرحوم آیت‌الله مهدوی تعدادی دست‌نوشته و تألیفاتی به چشم می‌خورد که یک کتاب در باب اقتصاد اسلامی و یک کتاب هم درباره اخلاق و همچنین کتابی به عنوان شرح دعای افتتاح تألیف فرموده‌اند. اما با توجه به اینکه شخصیت آقای مهدوی با سیاست عین شده بود و ایشان به عنوان یک روحانی مبارز و سیاسی شناخته شده بود، به مناسب است کمی هم به ابعاد اهداف بروجردی به نخست‌مختص اشاره گردد. حضرت ایشان با ورود به حوزه علمیه و آشنایی با دیدگاه‌های حضرت امام خمینی (ره) و مشاهده ظلم و ستمی که با اسلام، علما و مردم می‌شود، روش سیاسی حضرت امام را به عنوان شیوه‌ای که می‌تواند باعث احیای تشیع شود برگزید. لذا از همان اوان جوانی وارد مبارزات سیاسی گردید و به گونه‌ای اجرا کننده اهداف امام بود. ایشان در سن ۱۸ سالگی (۱۳۲۸ شمسی) در اردستان بود که به شکنجه، تبعید و زندانی شدن ایشان و بعضی از طلاب و مبلغان همراه منجر شد. با رسیدن این خبر به قم، مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی به نخست‌وزیر وقت (اقبال) اعتراض نموده و عنوان کردند که چرا فرزندان سرا زده‌اید و دستگیر کرده‌اید. آیت‌الله مهدوی در داخل حوزه علمیه فعالیت سیاسی خود را شروع نمود. از جمله فعالیت مهم ایشان عضویت مجمع سیاسی بود که افرادی چون آیات و حجج اسلام سعادت پرور (پهلوانی)، محمدی گیلانی، محفوظی، خادمی اصفهانی و... در آن حضور داشتند. بخشی از فعالیت‌های این مجمع صرفاً تحلیلی فضای سیاسی کشور می‌شد. همچنین اعضای این مجمع سعی می‌کردند با خرید کتب کمونیست‌ها و



به انگیزه اربعین از تحال عالم عامل، حضرت آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی

مدیریت برای نظام پدیری برای شاگردان

ماتریالیست‌ها، پس از مطالعه و مباحثه در برابر آنها پاسخ تهیه نمایند و در جریانات سیاسی وقت حضور داشته باشند. از دیگر برنامه‌های ایشان، فعالیت در مجامع علمی و سیاسی با حضور برخی دوستانشان مانند حضرات آیات شهید مطهری، شهید بهشتی و موسوی اردبیلی و... بوده است. در این جلسات مباحثی مانند اقتصاد اسلامی و حکومتی اسلامی مورد بحث و بررسی بوده است که در نهایت منجر به تأسیس هسته‌هایی مثل جامعه روحانیت مبارز تهران و تهیه اساسنامه مبارزاتی و دینی برای آن شد. فعالیت‌های آیت‌الله مهدوی کنی در مسجد جلیلی، جنبه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی داشته است. اصرار ایشان بر طرح دیدگاه‌های حضرت امام (ره) و فعالیت‌های سیاسی ایشان شد که پس از چندین بار دستگیری و بازداشت کوتاه مدت، هجوم به منزل جهت ایجاد محدودیت برای سخنرانی منبر و تدریس، نهایتاً در رمضان سال ۵۳ شمسی ایشان بازداشت و به بوکان تبعید شدند. در ادامه آیت‌الله مهدوی کنی پس از روشن شدن نقش ایشان در پرونده دیگری که از پرونده عمومی طرفداری از حضرت امام (ره) سنگین‌تر بود، از بوکان به مهاباد و سپس به تهران اعزام می‌شود و در کمیته طاغوت تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی زیر نظر حضرت امام خمینی (ره) ادامه می‌یابد.

آیت‌الله مهدوی کنی پس از پیروزی انقلاب، سمت‌های مهم و مختلفی را عهده‌دار بوده است که این خود نشانگر اعتماد فراوان مرحوم امام به ایشان می‌باشد، که از جمله این سمت‌ها می‌توان به عضویت در حلقه شورای انقلاب، عضویت در کمیته استقبال از امام، سرپرستی کمیته انقلاب اسلامی، وزارت کشور، نخست‌وزیری، ریاست دانشگاه امام صادق (ع) و... اشاره نمود

صادق (ع) و... اشاره نمود.

مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی بیش از اینکه سیاستمدار و شخصیت سیاسی باشد، یک روحانی وزین و سنی بود؛ حضور ایشان در محافل حوزوی و ارتباط تنگاتنگ با طلاب و روحانیون چشمگیر بود و همچنین رابطه دو سویه ایشان با علما و مراجع تقلید به فضل طوبی از بیان حکایات نیاز دارد که در این مختصر نمی‌تواند.

ایشان با تمام بزرگواری خود در سفرهایی که به مشهد داشت، به بنده - که شاگرد کوچکی در خیل شاگردانش به‌شمار می‌رفتم - محبت خاصی می‌فرمود؛ در بیت و حسینیه مرحوم والد آیت‌الله حاج سید علی‌نقی طیبسی حائری حضور می‌یافت و از ایشان با احترام عیادت می‌کرد؛ پس از فوت والد پیام تسلیتی صادر فرمود و همواره در طول این سال‌ها از مهر پدرانه این مرد بزرگ بهره‌مند بودم.

رحلت غم‌انگیز ایشان برای اینجانب تداعی‌گر مجدد غم از دست دادن پدر بود. بی‌شک با رحلت این بزرگان خلأهایی در جامعه و حوزه ایجاد می‌شود که جبران‌ناپذیر است و لایسدها‌ها.

ایشان مهدوی کنی پس از پیروزی انقلاب، سمت‌های مهم و مختلفی را عهده‌دار بوده است که این خود نشانگر اعتماد فراوان مرحوم امام به ایشان می‌باشد، که از جمله این سمت‌ها می‌توان به عضویت در حلقه شورای انقلاب، عضویت در کمیته استقبال از امام، سرپرستی کمیته انقلاب اسلامی، وزارت کشور، نخست‌وزیری، ریاست دانشگاه امام



حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمد وحید طیبسی حائری در کنار آیت‌الله مهدوی کنی

حکایت

آیت‌الله مهدوی کنی و نگاه نافذ به مکانات رهبری نماد انصاف و حق‌طلبی

■ **علی احمدی فراهانی**

یک اربعین از رحلت یکی از نامدارترین و پرسابقه‌ترین یاران انقلاب و مدافعان امام و رهبری می‌گذرد. در این مدت کوتاه، جمله یاران انقلاب بر این باورند که خلا به وجود آمده در پی رحلت حضرت آیت‌الله مهدوی کنی، قطعاً به سهولت و در آینده‌ای نزدیک پر نخواهد شد، چه آنکه جایگاهی که وی نزد عموم طیف‌ها و جریان‌ات انقلابی جامعه و نیز ملت ایران داشت، کم‌دلیل بود و بس بعید می‌نماید که زین شخصیتی با چنین مکانات و احترام وسیع اجتماعی ظهور نماید. از جمله رویدادهای شاخص و مؤثر آیت‌الله مهدوی، دفاع و حمایت ایشان از اصل ولایت فقیه و مصادیق ما بود که در دوران ما در وجود رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دام‌ظله) تبلور یافته است. مروری بر یکی از واپسین مصاحبه‌های آن بزرگوار، نگاه او را به مکانات علمی و عملی رهبر معظم انقلاب نمایان می‌سازد؛ موضوعی که سوزه اصلی این نوشتار نیز هست.

■ **رهبر انقلاب نماد فقه حکومتی**

آیت‌الله مهدوی کنی در گفت‌وگو با ماهنامه پاسدار اسلام از اعلام مرجعیت رهبر معظم انقلاب پس از رحلت آیات عظام گلپایگانی و اراکی در سال‌های ۷۲ و ۷۳ روایتی دارد که عمق ایمان او را به مکانت علمی رهبری آشکار می‌سازد. ایشان در آن گفت و شنود می‌گویند: «بعد از فوت امام دو مرجع دیگر مرحوم آیت‌الله اراکی و آیت‌الله گلپایگانی می‌داندید که در جامعه مدرسین بحث شد که مرجع یا مراجع چه کسانی باشند. آقایان در قم هفت نفر را گفتند و ما در تهران به عنوان جامعه روحانیت سه نفر را معرفی کردیم، با تفاوت‌هایی که افراد از نظر علمی داشتند، ما دیدیم یکی از کسانی که می‌تواند در جایگاه مرجعیت قرار بگیرد، ایشان هستند. بعضی از دوستان ما در جامعه مدرسین کمی روی این موضوع تشکیک کردند، ولی بعد که به تدریج



پیش رفتیم و مخصوصاً در جلسات شب‌های پنج‌شنبه که در محضر ایشان بحث‌های فقهی می‌شد، این موضوع آشکار تر شد. شاید آقای مؤمن و چند نفر دیگر، اوایل شک می‌کردند، ولی بعد که در آن شب‌ها نظرات فقهی ایشان مطرح شد، آقایان کاملاً ایمان پیدا کردند که ایشان فقیه بسیار خوبی است. ایشان هم حافظه فوق‌العاده‌ای دارد و هم نظرات خیلی خوبی. بسیار خوش فکر و خوش تحلیل هستند. با اینکه از نظر سنی از بسیاری از فقه‌پژوگان جوان‌تر بودند، اما نظرات خوب، محکم و با مبنا و با توجه به تمام مبانی‌ای که در فقه داریم، از اصول و فقه و رجال ارائه می‌کردند. ایشان از حیث رجال هم خیلی قوی هستند. یاد هست آقای کوچک‌تر یک بار به من گفتند: «می‌خواهیم از سوی جامعه روحانیت اعلام کنیم که ایشان مرجع هستند و ایشان گفته‌اند از آقای مهدوی هم بپرسید که آیا موافق هستند یا نه؟» گفتیم: «بله. من نظرم این است که ایشان جزو مراجع هستند.» بحث اعلمیت را نمی‌خواستیم مطرح کنیم، بلکه می‌خواستیم کسانی را که صلاحیت مرجعیت و فتوا، آن هم در سطح بالا و نسه اجتهاد در سطح پایین را داشتند، اعلام کنیم و با توجه به خصوصیات ایشان، در آن موقع واقعاً پذیرفتیم و بعد هم در مراحل مختلف، این نظر تأیید شد.

هر چه زمان پیش رفت، نظرات فقهی و نظرات سیاسی ایشان آشکار تر شد، چون در مسئله رهبری، تنها نظرات فقهی صرف برای اداره کشور کافی نیست، بلکه فقه حکومتی مهم است و یک رهبر با توجه به مسائلی که برای اداره یک حکومت مطرح است، باید بتواند تصمیم‌گیری کند، والا مسائل روزه و نماز و مسائل فردی به‌جای خود محفوظ است. در یکی از پیام‌های امام این مسئله تصریح شده که اجتهاد فقط مسئله فقه و اصول نیست، بلکه شناخت موضوعات و شرایط و زمان و دوست و دشمن هم هست. اگر بخواهیم این بخش از

دشمن در این دوره کاملاً خود را بازسازی کرد و به شکلی عمیق وارد عرصه شد. بعد از امام، من حیث المجموع، چه از نظر اجتهادی و مؤمن و چه از رهبری است - نه آنجهاد مطلق - و چه از نظر اداره کشور در بحران‌های مختلف، ما مثل ایشان سراغ ندادیم. خداوند ایشان را تا ۱۲۰ سال نگه دارد. من خودم این جور باور دارم و از روی عقیده حرف می‌زنم، نه از روی مصلحت‌اندیشی. چه در زمانی که بنا شد ایشان رئیس‌جمهور باشند و بنده نخست‌وزیر، چه بعد از رحلت امام که ایشان رهبر شدند، در این ۲۰ و چند سال، من واقعاً به عقیده خودم عمل کرده و روی عقیده‌ام ایستاده‌ام و در تمام مسائل و وقایع فقهی و حقوقی و با تمام مشکلاتی که بود، اعتقادم این بود که رهبری ایشان منحصر به فرد است و ایشان خوب می‌توانند ملکت را اداره کنند و باید ایشان را تأیید کرد، لذا در همه این بحران‌ها و بالا و پایین رفتن‌ها و با همه نوسانات، اعتقاد من این بوده است که باید ایشان را تأیید کرد. اصلاح ایشان است و ما صالحش را هم پیدا کردیم چه رسد به اصلاح من معتقدم ایشان هم از نظر مدیریت و هم از نظر تقوا در جایگاه رفیعی است، چون ما به عنوان نایب امام زمان (عج) درباره رهبر بحث می‌کنیم.»

بی‌تردید عبور مقتدرانه رهبری از بسیاری از بحران‌های ربع قرن اخیر، مرهون حمایت‌های ارجمند و مسئولانه شخصیت‌های ارجمندی چون مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی بود که همواره دفاع از جایگاه و مصادیق ولایت را از نظر دور نمی‌داشتند و آن را بر خود فرض می‌دانستند. اگر رهبری‌های داهیه‌ان آیت‌الله خامنه‌ای امروز بسیاری از تحلیل‌گران و حتی مخالفان را به اقرار و تحسین واداشته، نباید از نظر دور داشت که در نیل به این جایگاه، بزگانی چون آن مرحوم نقشی ارجمند و اساسی ایفا کردند.

یادش گرمای باد